

## به نام خدا

درس هشتم - کتاب جامعه‌شناسی (۳) - پایه دوازدهم ادبیات و علوم انسانی - درس سیاست هویت

### گروه علوم اجتماعی استان کرمان

۱. شناسنامه چگونه سندی است؟ سند رسمی هویت هر فرد است. در همه کشورها وجود دارد. در تاجیکستان به آن زادنامه می‌گویند، در عربی، هویت و در انگلیسی birth certificate و indicator (سند هویت)
۲. شناسنامه ایرانی چه ویژگی‌هایی دارد؟ آرم جمهوری اسلامی ایران، به هویت ایرانی فرد اشاره دارد و کلمات جمهوری و اسلامی نشان دهنده حاکمیت اراده مردم بر اساس آرمانهای اسلام است. شناسنامه همه مردم ایران یک رنگ و یک شکل است. هر تبعه ایرانی در برابر قوانین ایرانی مسئول است. شماره ملی، اختصاصی بودن هر فرد را برای دولت نشان می‌دهد. همچنین عکس صاحب شناسنامه، بخشی از هویت او را معرفی می‌کند مثل: جنسیت، پیر و جوان بودن، برخی خصوصیات اخلاقی، نژاد، فرهنگ، عنوان خانوادگی، سن
۳. منظور از تنازع هویت چیست؟ هویت یعنی کیستی هر انسان. تنازع یعنی نزاع و درگیری. تنازع هویت یعنی اختلافات و درگیری‌هایی که بین انسان‌ها بر سر معرفی خود به خاطر حس برتری جویی به وجود می‌آید. این نزاع همیشه بین انسانها بوده و هنوز هم هست ولی پس از شکل‌گیری دولت ملت‌ها، بخاطر این که برخی هویت‌ها (اقوام و نژادها) حذف شدند و فقط عده کمی حق حکومت و قانونگذاری پیدا کردند، این تنازع آشکار شد.
۴. نقش دولت-ملت‌ها در تنازع هویت چیست؟ با پیدایش دولت-ملت‌ها، جوامع ارباب-رعیتی تبدیل به جوامع دولت‌ملتی شد. ملاک شناسایی این دولت-ملت‌ها یک دین جهانی نبود بلکه نژاد، منطقه جغرافیایی آن کشور یا قوم خاصی بود که منجر به ناسیونالیسم (یعنی ملی‌گرایی و وطن‌دوستی) شد. در این دولت-ملت‌ها (کشورها با مرزهای مشخص) اقوام و نژادهای مختلف باید در کنار هم زندگی می‌کردند ولی فقط یک قوم و نژاد حاکم حق حکومت داشت و با بقیه اقوام درگیر شد و همین امر باعث تنازع هویت‌ها شد. یعنی جنگ بین اقوام و مذاهب و نژادها
۵. در دوران مدرنیسم (قرن گذشته) سیاست‌گذاری هویتی چه بود؟ سیاست همانندسازی یعنی همانند ساختن همه اقوام و گروه‌ها و کمرنگ کردن مفهوم نژاد و قومیت و مذهب و زبان
۶. چرا در دوران مدرنیسم سیاست‌گذاری همانندسازی برای هویت‌ها انتخاب شد؟ به دلیل این که دولت‌ها تازه به وجود آمده بودند. نظام‌های پادشاهی و حکومت‌های خودکامه از بین رفته بودند و دولت‌ها مدعی بودند که برعکس پادشاهان، می‌خواهند که تمام مزایا و امکانات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه را بین همه مردم تقسیم کنند ولی تنازع هویت‌ها و اختلافات درونی بین مردم این اجازه را به دولت‌ها نمی‌داد. برای همین شروع کردند به اجرای سیاست‌های همانندسازی تا اختلافات و تنازعات بین اقوام و هویت‌ها از بین برود.
۷. سیاست همانندسازی چه نوع سیاستی است؟ همانندشدن با گروه مسلط و حاکم جامعه، پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی گروه مسلط توسط سایر گروه‌های جامعه، تحمیل خواسته‌ها و دیدگاه‌ها و فرهنگ گروه حاکم به سایر گروه‌های مردم.
۸. وجود بوراکومین‌ها در ژاپن نشان دهنده چیست؟ سیاست همانندسازی. در دوره فتودالی، فتودالها به عنوان قوم غالب، بر این گروه خشم گرفتند و تحقیر شدن آنها در ژاپن تبدیل شده به یک فرهنگ که هنوز هم ادامه دارد.
۹. گروه‌های مسلط جامعه برای همانند کردن سایر گروه‌های جامعه با خودشان، چه سیاست‌هایی در پیش گرفتند؟ (یا به عبارتی سیاست‌های همانندسازی‌خشن را نام ببرید) جداسازی (جدا کردن بعضی اقوام و قبایل از کشور، مثل دیوار اسرائیل

- بین مسلمانان و یهودیان)، نسل کشی (مثل کشتن نسل مسلمان در برخی کشورهای امروز)، کنترل جمعیت (وقتی جمعیت کم باشد قابل کنترل است)، جابه جایی اجباری (برخی اقوام و قبایل مجبور به کوچ اجباری شده اند، نوعی تبعید گروهی)، فشارهای سخت اجتماعی (مثل تحریم های اقتصادی علیه ایران به منظور همانندسازی ایران با غرب)
۱۰. تفکری که منجر به سیاست های خشن همانندسازی شد، چیست؟ دیگری متفاوت باید طرد شود. دیگری متفاوت شری است که باید حذف و نابود شود (در نسل کشی). دیگری متفاوت شری است که باید اصلاح شود (در بقیه روشها).
۱۱. سیاست جداسازی برای همانندسازی چه روشی است؟ گروه مسلط، گروه های قومی، مذهبی، نژادی و زبانی دیگر را به زیستن در مناطقی جدا از محل حکومت گروه مسلط، مجبور می کند و آنها را از تسهیلات و خدماتی مثل آموزش، بهداشت و درمان محروم می کند یا خدماتی در سطح بسیار پایین به آنها ارائه می دهد.
۱۲. منظور جامعه شناسان از «دیگچه همانندسازی» چیست؟ سیاست های غیرخشن همانندسازی که به آرامی مثل یک دیگچه، سایر گروه های متفاوت را در خود می پزد و هضم و نرم می کند تا تفاوت های و تمایزات خود را کنار بگذارند و فراموش کنند و در سایر گروه های دیگر هضم شوند و مختلط گردند.
۱۳. نمونه هایی از سیاست های همانندسازی خشن را در سطح جهان نام ببرید. بوراکومین ها در ژاپن، نسل کشی در کامبوج توسط کمونیست های حاکم (بنام خمیرهای سرخ)، اخراج و کشتار مسلمانان در میانمار به نام روهینگیا، پاک سازی قومی در یوگسلاوی سابق و کشتار و اخراج وسیع مسلمانان، تحریم سیاسی و اقتصادی سخت علیه ایران
۱۴. سیاست هویتی دوره پسامدرن (قرن حاضر) چه نام دارد؟ سیاست تکثرگرایی
۱۵. چرا در دوره جدید این سیاست (تکثرگرایی) دنبال می شود؟ به خاطر نفوذ تفکر پسامدرن که همه اندیشه ها و سیاست ها و فرهنگ حاکم بر دوره مدرن را نقد کرده است. از جمله سیاست هویتی این دوره نقد شده و پسامدرنیسم در این نقد، گفته است که هیچ گروهی حق ندارد بر گروه های دیگر مسلط شود و آنها را سرکوب کند.
۱۶. چرا اندیشمندان معتقدند که در واقع «سیاست هویت» مربوط به دوره پسامدرن است، نه دوره مدرن؟ به دلیل این که در واقع با تکثرگرایی است که به همه هویت ها اجازه ظهور و وجود داده شده است، با سیاست همانندسازی در واقع سیاست بی هویتی و سیاست هویت زدایی دنبال می شد. سیاست همانندسازی، سیاست فقط یک هویت بود ولی سیاست تکثرگرایی، سیاست همه هویت هاست.
۱۷. جعبه پاندورا چیست؟ جعبه در اساطیر یونانی که پر از پلیدی بود و در ابتدای جهان باز شد و همه پلیدی ها مثل مرگ، دروغ، خیانت و دزدی را به جهان ریخت و زندگی زیبای انسان را خراب کرد.
۱۸. تفاوت ویژگی ها و سیاست های دوره مدرن و پسامدرن در چیست؟ در دوره مدرن، دولتها مسئولیت کشورها را پذیرفتند و به منظور اداره کشورها، به ایجاد عدالت و برابری همت گماشتند و موضع قشربندی و کشمکش طبقاتی (تضاد طبقاتی) برایشان مهم بود و برای این که بتوانند مزایا را عادلانه تقسیم کنند، سیاست همانندسازی را در پیش گرفتند ولی موفق نشدند بلکه به نوعی جدید از سلطه جویی و تبعیض رسیدند. برای همین از اواخر قرن بیستم پسامدرنیسم به وجود آمد که به همه گروه ها و اقوام و مذاهب اجازه حرف زدن و اظهار وجود داد و موضوع هویت را جایگزین موضوع قشربندی و کشمکش طبقاتی کرد. در دوره مدرن هویت اقوام و گروه های اجتماعی توسط دولت ها تعیین می شد ولی در دوره پسامدرن هر گروه و قومی باید سلیقه ها و دنیای خودش را پیگیری و مطرح کند. در دوره مدرن کشمکش بین قشرها و طبقات اجتماعی مطرح بود و در دوره پسامدرن کشمکش بین هویت ها یعنی اقوام و گروه هایی که دوباره مطرح می شوند.

۱۹. جریان جهانی شدن، سیاست همانندسازی را دنبال می کند یا سیاست تکثرگرا را؟ جریان جهانی شدن دو بعد دارد، یک بعد آن سیاسی است و تحت نفوذ قدرتهای بزرگ و بعد دیگر آن اجتماعی و فرهنگی است و تحت نفوذ ملتها و گروه های جهان. در بعد اول، قدرتهای بزرگ سیاست همانندسازی را دنبال می کنند و تلاش می کنند با به وجود آوردن جهانی بدون مرز، قدرت حکومتهای داخل مرز کشورها را حذف کنند و فرهنگ خود را به فرهنگ سایر کشورها تزریق کنند (دیگچه همانندسازی هویتی)، این ابرقدرتها فرهنگ کشورها را از طریق حذف کردن کامل، با فرهنگ خودشان همانند کرده اند. اما در بعد دوم، مردم و اقوام و گروه های جهانی از طریق ارتباطات جهانی با یکدیگر، یاد گرفته اند خودشان را پیدا کنند، باور کنند و در فرهنگ جهانی جای بدهند. آنها یا برای خودشان هویت خاص و جدیدی ساخته اند یا به هویت اصیل خویش باز گشته اند.

۲۰. نمونه هایی از گروه هایی را نام ببرید که در جریان جهانی شدن، خود را مطرح کرده اند و به هویت خویش باز گشته اند. جنبش های سبک زندگی (اقوام مختلف سبک های زندگی سنتی اقوام خود را بازسازی می کنند)، جنبش های زنان (زنان جهان تلاش می کنند هستی زنانه را معرفی کنند و سلطه فرهنگ مردانه را بر خود از بین ببرند)، آفریقایی-آمریکایی ها (کسانی که ترکیبی از نژاد آفریقایی و آمریکایی هستند و اغلب به صورت برده به آمریکا آورده شده اند و تحقیر می شوند، به ریشه های آفریقایی خود افتخار می کنند)، آسیایی تبارها (آسیایی تبارهایی که بومی آمریکا شده اند ریشه های آسیایی خود را مطرح می کنند)، جوانان (جوانان تلاش می کنند فرهنگ نسل جوان را به فرهنگ نسل پیر و سنتی معرفی کنند و خود را از سلطه فرهنگ پیرها بر خود، برهانند)، اقلیت های قومی، مذهبی (اقوام و مذاهب خود را مطرح می کنند)، جنبش های زیست محیطی (توجه انسان را به محیط زیست جلب می کنند).

۲۱. مدل تکثرگرا را تعریف کنید. مدلی از سیاست گذاری هویتی است که تفاوت های میان اقوام و گروه های موجود را مهم می داند و خواهان مطرح شدن همه هویت ها در فرهنگ های ملی و جهانی است. این مدل اگرچه همه اقوام را مهم می داند ولی برای جلوگیری از تنازع و کشمکش میان اقوام و گروه ها (هویت ها) به وجود یک ساختار سیاسی مشترک (مثلا یک دولت تشکیل شده از احزاب مختلف) اعتقاد دارد و وظیفه اش پیوند دادن میان هویت هاست با حفظ هویت ها نه حذف آنها.

۲۲. نمونه هایی از جداسازی هویتی را درون کشورهای صنعتی نام ببرید. جدایی فرانسوی زبانان ایالت کبک از انگلیسی زبانان در کشور کانادا، کشمکش میان فلامان ها و والون ها در بلژیک، سازمانهای همبسته کوکلاس کلان در آمریکا که طرفدار نژادگرایی و برتری نژاد سفید هستند.

۲۳. در مدل تکثرگرا به کدام بخش هویت توجه می شود؟ هم به بخش اجتماعی و گروهی و هم به بخش سیاسی و قدرت. در بخش اجتماعی گفته می شود که همه گروه های اجتماعی با هر مذهب، قومیت، مذهب و زبانی باید در جامعه آزادانه زندگی کند و رسانه داشته باشد و در ساختن هویت کشور و جهانش سهیم باشد. در بخش سیاسی وقدرت هم گفته می شود که همه اقلیت های مذهبی، زبانی و قومی و نژادی باید بتوانند حزب سیاسی تشکیل بدهند و در تصمیم گیری ها و اداره کشور و جهان سهیم باشند.

۲۴. سیاست هویت (تکثرگرایی) مفید است یا مضر؟ چند چهره دارد؟ این سیاست از این جهت که همه گروه های به حاشیه رانده را به رسمیت می شناسد و از آنها حمایت می کند، مثبت است و به حال گروه های مختلف جامعه مفید است ولی از این جهت که با رسمیت یافتن همه گروه ها، باعث چندپارگی سیاسی و فرهنگی در جامعه می شود و تنازع و اختلافات را باعث می شود، مضر است.

۲۵. فعالیت سازمان کوکلاس کلان و جشن های چینی در آمریکا نشان دهنده چیست؟ سیاست هویت تکثرگرا
۲۶. واژه تنازع هویت ها و تعارف هویت ها چه تفاوتی با هم دارند؟ تنازع هویت ها از وحدت یا کثرت هویت ها سخن می گوید و تعارف هویت از وحدت و کثرت. تفاوت این دو در این است که در تنازع هویت ها، به خاطر اختلافی که ایجاد می شود سوال می شود که حالا آیا باید اجازه داد همه گروه های جامعه به رسمیت شناخته شوند ولو اینکه اختلافات بالا بگیرد یا این که برای کاهش اختلافات، دوباره همانندسازی اتفاق بیفتد و فقط یک گروه برتری و سلطه داشته باشد؟ اما در تعارف هویت ها گفته می شود کثرت باقی بماند و همه گروه ها به رسمیت شناخته شوند ولی از طریق شناخت یکدیگر و احترام به ارزش های هم، به وحدت و یکپارچگی برسند.
۲۷. الگوی تعارف چیست؟ این الگو در مقابل دو الگوی تکثرگرا و همانندسازی قرار می گیرد. تکثرگرا باعث اختلافات گروه ها می شود و همانندسازی باعث سرکوب بسیاری از گروه های جامعه توسط گروه مسلط. الگوی تعارف به شناخت متقابل یکدیگر و احترام به هم اشاره دارد و یک الگوی قرآنی است. این الگو با شناخت متقابل یکدیگر و احترام به هم شباهت های انسانی را درک و پیدا می کند و جامعه ای انسانی را می سازد.
۲۸. قرآن در مورد الگوی تعارف چه نظری دارد؟ انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل، لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم. ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و به شعبه ها و قبیله های مختلف تقسیم کردیم، برای این که یکدیگر را بشناسید. گرمای ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست. حجرات، آیه ۱۳ همچنین آیه بعدی: و من آیاته خلق السموات والارض و اختلاف السنتمکم و الوانکم، ان فی ذلک لآیات للعالمین. و از نشانه های او آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگهای شماست، در این آیات برای اهل دانش (آگاهان) نشان هایی وجود دارد. سوره روم، آیه ۲۲ همچنین امام علی (ع) می فرمایند مردم دشمن چیزی هستند که نمی شناسند.
۲۹. الگوی تعارف با پیشرفتهای علمی قرن سوم و چهارم هجری چه ارتباطی دارد؟ همه اقوام از الگوی اسلامی اطاعت کردند و برایشان مهم نبود که یک ایرانی به نام سیبویه، قواعد زبان عربی را نوشته و دو ایرانی به نام فارابی و ابن سینا مهمترین حکیمان جهان اسلام باشند.
۳۰. نقش حکومت اسلامی در الگوی تعارف چیست؟ حکومت می تواند با زمینه سازی برای شناخت مردم از یکدیگر در سطح محلی، ملی و منطقه ای، امکان همدلی را فراهم کند و بسیاری از مشکلات ناشی از تنازع هویتها را حل کند.
۳۱. نمونه های از وحدت گروه های قومی و مذهبی در ایران را ذکر کنید. خیابان سی تیر در تهران به خیابان صلح ادیان لقب گرفته زیرا مسجد حضرت ابراهیم، کلیسای مسیحیان، کنیسه یهودیان و آتشکده زرتشتیان در این خیابان قرار دارند و مشغول فعالیت عبادی هستند. علاوه بر این قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، حقوق اقوام و گروه های مختلف و اقلیت های مذهبی ایران را به رسمیت شناخته و آزادی آنها را در انجام مراسم دینی، تعلیم و تربیت و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) تضمین کرده است. در اصل ۱۵ قانون اساسی نیز استفاده از زبان های محلی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات محلی در مدارس در کنار زبان رسمی فارسی مجاز شمرده شده است.
۳۲. سوفیا کوتلاکی کیست و چه دیدگاه درباره «فرهنگ تعارف» در ایران دارد؟ مردم شناس یونانی است که بر روی فرهنگ مردم ایران پژوهش میدانی انجام داده است و با تحلیل داده ها، در کتابش با عنوان «نظام ادب، تعارف و مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی» می گوید تعارفات ایرانی ها ناشی از احترام، تواضع و صمیمیت ایرانی هاست.

۳۳. کلمه «بی تعارف» به چه معنی است؟ تعارفات ایرانی، معنی صمیمیت دارد و همه می دانیم که لزوما نباید جنبه عملی پیدا کند، مثلا وقتی طرف می گوید «قابل ندارد» اغلب خیال ندارد مالش را به طرف مقابل بدهد. لذا کلمه بی تعارف، به معنی این است که می توان بخشی فرهنگی و ذهنی تعارف را عملی کرد و آن را جدی گرفت.

۳۴. جامعه شناسی انتقادی در کدام مکتب ریشه دارد؟ (تبیینی یا تبیینی- تفهیمی یا تفسیری) در مکتب تفسیری

۳۵. تفاوت رویکرد انتقادی با تفسیری در چیست؟ رویکرد انتقادی برخلاف تفسیری، می خواهد به داوری هم بپردازد.

۳۶. چرا رویکرد انتقادی داوری را وارد علم می کند؟ زیرا در آن صورت سرنوشت ارزشها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می شود، یعنی اگر دانش نتواند به طور علمی ارزشهای خوب را اثبات کند و آنها را از بدها جدا کند، قدرت و ثروت این کار را انجام خواهند داد و قدرتمندان و ثروتمندان، ارزش های خودشان را خوب و ارزش های دیگران را بد جلوه می دهند و ارزشهای خودشان را به دیگران تحمیل می کنند. اما علم می تواند با معرفی ارزشهای مثبت و خوب، قدرتمندان و ثروتمندان را افشا کند و گروه های ضعیف را برهاند.

۳۷. چرا رویکرد تفسیری نمی خواهد داوری را وارد علم کند؟ زیرا معتقد است که دانش در دست قدرتمندان و ثروتمندان است و آنها با استفاده از دانش، به هر حال ارزشهای خودشان را بهتر جلوه می دهند و آنها را به دیگران تلقین می کنند. در چنین شرایطی، علم ساخته شده توسط قدرتمندان و ثروتمندان، با خوب و بر کردن امور و درست و غلط دانستن ارزشها و هنجارها، خوب و بدهای برخی گروه های مسلط را علمی قلمداد می کند. اینجا علم چراغی برای روشن کردن تاریکی ها نیست بلکه خودش ابزاری برای سرکوب گروه های اجتماعی است.

۳۸. این شعر سعدی با کدام اصل سکولاریسم مخالفت می کند؟ «میازار موری که دانه کش است و ... اومانیسیم و برتری انسان بر همه مخلوقات جهان

۳۹. هشدار دیدگاه تفسیری به جامعه شناسان (اغلب تبیینی) چیست؟ وقتی درباره ملت ها و گروه های مختلف کشور و جهان مطالعه و صحبت می کنید، درگیر سیاست هویت نباشید و آنها را با ارزشهای خودتان، قضاوت نکنید. مثلا به خودتان نگوید جهان اول و به دیگران جهان سوم. اغلب جامعه شناسان، مردان سفید اروپایی و آمریکایی بوده اند بنابراین در تحقیقاتشان، زنان، رنگین پوستها و غیراروپایی و غیرآمریکایی ها را جدا از خودشان دیده اند و فقط موضوع تحقیقاتشان قرار داده اند و هیچ وقت در تحقیقاتشان، آنها را به عنوان هویت مهم و ارزشمند ندیده اند.

۴۰. حقیقت مغفولی که رویکرد تفسیری آن را آشکار می کند، چیست؟ قرار نیست نظریه های علمی فقط در غرب تولید شوند، هر گروه و فرهنگ و جامعه ای می تواند نظریه های علمی خودش را تولید کند و دوست ندارد فقط موضوعی برای تحقیقات غربی ها باشد. بلکه دوست دارد از چشم خودش به خودش بنگرد و حتی غربی ها را موضوع تحقیقات خود کند.

۴۱. نمونه هایی از نظریه های علمی جدید را نام ببرید که در اعتراض به نظریه های جامعه شناسان غربی، در جامعه شناسی امروزی به وجود آمده اند. نظریه فمینیسم معاصر، نظریه آفریقایی تبار، نظریه آمریکایی بومی

۴۲. وجه مشترک نظریه های جدید معاصر در جامعه شناسی چیست؟ اینها می گویند همه دانش جامعه شناسی که تاکنون به وجود آمده، از سوی مردان سفید اروپایی به وجود آمده و زنان، رنگین پوستان و غیراروپایی ها حذف شده اند و هویتشان به شکل علمی آسیب دیده است. در واقع دانش در دست قدرتمندان و ثروتمندان بوده است و به هویت های دیگر آسیب زده است.

۴۳. اشکال وارد بر رویکرد تفسیری در زمینه وارد نکردن داوری به علم چیست؟ تاکید بر تکثر و تنوع هویت ها، به معنای انکار وحدت و اشتراک انسانهاست و فرصت گفتگو و معارفه انسانها را از بین می برد. اگر ادعا شود که دانش فقط محصول شرایط

فرهنگی است، دیگر هیچ دانشی که مبنای مقایسه و داوری قرار بگیرد و بتوان با آن درست و غلط را از هم تشخیص داد، وجود ندارد.

یک انتقاد: من این دیدگاه کتاب را قبول ندارم. از یک طرف با معرفی نظریه فمینیسم و آفریقایی تبار و بومی آمریکا، می‌خواهد جامعه‌شناسی غربی را سرکوب کند و آن را بی‌ارزش بخواند و از سوی دیگر می‌خواهد با نقد دیدگاه تفسیری، یک تونلی بزند و برسد به دانش مورد نظر نویسندگان کتاب جامعه‌شناسی<sup>۳</sup>. و از این طریق دانش خودش را مبنای درست و غلط دانستن امور معرفی کند. گرچه اسلام و قرآن مبنای فکری ما مسلمانان است ولی همان طور که ما سایر ادیان را نقد می‌کنیم آن‌ها هم ما را نقد می‌کنند. پس دیدگاه کتاب هم فقط برای خودمان علمی خواهد بود نه به صورت جهان شمول.

۴۴. پذیرش دیدگاه تفسیری (اینجایی و اکنونی) چه پیامدی دارد؟ همه دانش‌ها محصول اجتماع خاصی هستند و هیچ دانش مطلق برای این که مبنای اعمال خوب و بد ما قرار گیرد وجود نخواهد داشت و گرفتار نسبی‌گرایی شده در کثرت‌ها و تفاوت‌ها گم خواهیم شد.